

تلنگری به وجدان جمعی



وحید عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

«سهم کشاورزی که از هفت‌سالگی در کنار پدرش در مزرعه کار کرده و در ۸۰سالگی بدون بیمه و پشتوانه‌ای از دنیا می‌رود، از بودجه‌های عمومی کشور چیست؟» این پرسش را یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطرح کرده است؛ سؤالی ساده اما عمیق که همچون زنگ خطری، نظام اقتصادی و اجتماعی ما را به چالش می‌کشد. این نماینده در ادامه می‌پرسد:

«آیا بی‌نصب ماندن این کشاورز از منابع عمومی، ظلم نیست؟ آیا دولت

نیاید سازوکاری برای حمایت از این افراد تعریف کند؟» این سؤالات نقدی جدی به ساختار توزیع بودجه و مصداق‌بی برای ضروری بودن بازنگری در سیاستگذاری‌ها با رویکرد عدالت اجتماعی است.

طبق اظهارات همین نماینده، ۹۲درصد از بودجه عمومی کشور مان

صرف هزینه‌های جاری و اداری می‌شود، این در حالی است که کشاورزانی که غذای ما را تأمین می‌کنند، کمترین بهره را از این منابع می‌برند. این نابرابری آشکار، نشانه‌ای از یک اختلال ساختاری و نمودی عینی از بی‌توجهی به عدالت اجتماعی و کرامت انسانی است که مع‌الافس دولت‌های رنگارنگ با شعارهای غالباً عوام‌فریبانه نتوانسته‌اند آن را چاره کنند.

عدالت اجتماعی یعنی هیچ‌کس، از کارمند پشت میز گرفته تا کارگر و کشاورزی که ز پر آفتاب کار می‌کند، نباید از حقوق اولیه خود محروم بماند، اما وضعیت کنونی کشور ما چیز دیگری را روایت می‌کند. کشاورزانی که ستون فقرات تأمین امنیت غذایی ما هستند، در اغلب موارد از ابتدایی‌ترین حمایت‌های اجتماعی، نظیر بیمه، خدمات درمانی، بازنشستگی و دسترسی به منابع مالی محرومند. این مسئله یک چالش اقتصادی است و شوربختانه در هنگامه نقشه‌کشی برای بودجه سالانه که در قالب سند دخل‌وخرج کشور انجام می‌شود و از آنجا که این قشر لایه‌های حرفه‌ای و امتیازات هتل و ارز و آورده مادی خاصی برای برخی از آقایان ندارد، مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند.

بودجه باید آیینه‌ای تمام‌نما از اولویت‌های کشورمان باشد، وقتی ۹۲درصد بودجه عمومی صرف حقوق و هزینه‌های جاری ادارات می‌شود و سهمی اندک با هیچ‌برای توسعه کشاورزی باقی می‌ماند، یعنی تولید، معیشت و کشاورزی، اولویت نیستند. کشاورزان بسیاری هنوز با ابزارهای ابتدایی و روش‌های سنتی کار می‌کنند و فقدان بیمه، کمبود وام‌های کم‌بهره و نبود زیرساخت‌های اساسی مانند سیستم‌های مدرن آبیاری، آنان را در چرخه‌ای از ناتوانی نگه داشته است. اگر یک کارمند دولتی از مزایای

همچون بیمه، بازنشستگی، تسهیلات رفاهی و امنیت شغلی برخوردار است، چرا کشاورزی که تضمین امنیت غذایی کشورمان مدیون دست‌های بی‌بسته‌است، باید بدون داشتن چنین حقوقی زندگی کند؟ اگر دولت مسئول تأمین رفاه و عدالت برای همه شهروندان است، به سؤالات آقای نماینده پاسخ دهد. عدالت اجتماعی در شعار معنا نمی‌یابد، باید در سازوکارهای اجرایی، بودجه‌بندی‌ها و اولویت‌گذاری‌ها تجلی یابد.

آقای نماینده‌ای که این پرسش‌ها را در مجلس مطرح کرده، نکته درستی را مطرح کرده و طرح چنین سؤالاتی در سطح قانونگذاری، نشانه‌ای روشن از آگاهی و دغدغه‌مندی نسبت به وضعیت مردم است، اما باید دقت کنیم که طرح سؤال، هر چند مهم است، اما کافی نیست. نمایندگان مجلس ابزارهایی بسیار فراتر از طرح پرسش در اختیار دارند و می‌توانند قانونگذاری کنند، بر عملکرد دولت نظارت داشته باشند و در جریان تصویب بودجه، اولویت‌ها را تغییر دهند. قوانینی برای حمایت از بیمه کشاورزان، تسهیل دسترسی آنان به تسهیلات مالی، اصلاح ساختارهای اداری ناکارآمد در بخش کشاورزی و شفاف‌سازی مسیر تخصیص بودجه، همگی در حیطه اختیارات مجلس شورای اسلامی است.

یکی دیگر از نکات قابل تأمل در سخنان این نماینده، بهره‌یز از متهم کردن بخش خصوصی در مشکلات کشاورزی است. واقعیت این است که در بسیاری از موارد، فعالان اقتصادی طبق همان قوانین و مقرراتی فعالیت می‌کنند که نهادهای رسمی کشور وضع کرده‌اند. اگر قانون ناقص یا ناکارآمد است، مقصر افراد نیستند، بلکه ساختارهایی‌اند که باید اصلاح شوند. از آیین‌نامه‌هایی که مانع دسترسی کشاورزان به وام می‌شود تا قوانینی که بودجه را به سمت هزینه‌های غیرمولد سوق می‌دهد، همه قابل بازنگری و اصلاح هستند. سؤال‌های آقای نماینده مجلس، تلنگری برآی وجدان جمعی است؛ اینکه در دل ساختار قانونگذاری کشورمان، هنوز کسانی هستند که صدای خاموش کشاورزان را نمی‌شنوند. اما این امید نیاز به اقدام عملی، قانونگذاری مؤثر و اصلاح ساختارهای ناکارآمد دارد.

اگر کشاورزی را صرفاً یک فعالیت اقتصادی ببینیم، معنای امنیت ملی را فروگذاسته‌ایم. کشاورزی ضامن امنیت غذایی و امنیت غذایی، رکن امنیت ملی است. این حقیقت ساده، سال‌هاست در میان تصمیم‌گیران کشور نادیده گرفته شده است. در هیچ کدام از سه قوه، نشانی از یک اراده قاطع برای ارتقای جایگاه کشاورزان دیده نمی‌شود، نه در تدوین بودجه، نه در اولویت‌های اجرایی و نه در ساختارهای نظارتی. قانونگذاری‌ها اغلب کلی، مبهم یا ناکارآمدند. دولت‌ها، یکی پس از دیگری، برنامه‌های کوتاه‌مدت و شعاری ارائه داده‌اند که دردی از روستا و کشاورز دوا نکرده است. عدالت اجتماعی در هیچ سطحی از مدیریت کشور، به‌عنوان یک اصل بنیادین عملیاتی نشده است. بزرگ‌ترین خطای نظام اجرایی کشورمان این است که کشاورزان را تنها به‌عنوان تولیدکننده کالا و نه شهروندانی با حقوق برابر می‌بیند و هیچ‌گاه این پرسش پاسخ داده نشده است که چرا یک کشاورز باید در پایان عمر، بدون بیمه، بدون پس‌انداز و بدون امید از دنیا برود؟ آیا او ایرانی نیست؟ آیا سهمی از منابع ملی ندارد؟

یکی از نهادهایی که باید در خط مقدم دفاع از کشاورزان باشد، وزارت جهاد کشاورزی است، اما تاکنون نتوانسته است نقش واقعی خود را ایفا کند و فراتر از آن، بسیاری از تصمیمات این وزارتخانه بیشتر از آنکه در راستای ارتقای معیشت و تولید کشاورزان باشد، آنها را گرفتار کرده است. این در حالی است وزارت جهاد کشاورزی باید چشم، گوش و زبان کشاورزان در بدنه دولت باشد، اما در عمل، بسیاری از مسائل این قشر به‌شدت حتی به گوش مدیران بالادستی این وزارتخانه هم نمی‌رسد. کشاورزان، نه صدایی در تصمیم‌گیری‌ها و نه جایی در اولویت‌بندی منابع دارند. بی‌توجهی به توسعه روستاها، نبود حمایت از کشاورزی پایدار، عدم مدیریت مؤثر بر بازار محصولات و ناتوانی در طراحی نظام بیمه‌ای فراگیر، همه از نشانه‌های ضعف نهادی و ساختاری در این وزارتخانه است.

از سوی دیگر، مسئولیت بی‌توجهی به عدالت اجتماعی فقط متوجه یک وزارتخانه نیست. قوای سه‌گانه، اعم از دولت، مجلس و قوه قضائیه، در برابر بی‌عدالتی‌هایی که سال‌هاست به کشاورزان تحمیل می‌شود، مسئولند. عدالت اجتماعی یک پیکر واحد است که ساخت‌های گوناگونی از آموزش و سلامت گرفته تا معیشت و امنیت شغلی دارند و نمی‌توان تنها با چند اقدام نمایشی، بار عدالت را به دوش کشید، به هر روی نباید نجابت و سکوت کشاورزان، دولت‌مردان را به اشتباه بیندازد. این مردم شریف، اگرچه اهل فریاد و مطالبه‌گری خیابانی نیستند، اما حقی دارند که سال‌هاست نادیده گرفته شده است. نجابت نباید بهانه‌ای برای بی‌تفاوتی باشد. وزارت جهاد کشاورزی و سایر نهادهای حکومتی، مسئولیت و تعهدی دارند که باید در کنار عدالت و کرامت انسانی بی‌پذیرند. همچنان منتظر پاسخ این پرسش هستیم که «سهم یک کشاورز که از هفت‌سالگی با پدرش در مزرعه کشاورزی می‌کند و در ۸۰سالگی بدون بیمه از دنیا می‌رود، از بودجه‌های عمومی کشور چیست؟»

قیمت بنزین معمولی گران نمی‌شود

وزیر نفت: واردات بنزین سوپر هیچ تأثیری در سهمیه‌های ۶۰ لیتر هزارو ۵۰۰تومانی و ۱۰۰لیتر ۳هزارتومانی با کارت سوخت جایگاه‌ها ندارد



هر گاه نام بنزین به میان می‌آید، اولین نکته‌ای که به ذهن مردم می‌رسد، بحث گران شدن سوخت و تأثیر آن بر گرانی قیمت کالا و خدمات است چرا که هر گاه قیمت فرآورده‌های سوختی افزایش پیدا کرده تا مدت‌ها کشور با بحران مواجه شده است که آخرین نمونه آن در آبان ۱۳۹۸ اتفاق افتاد. اکنون این روزها نه گرانی بنزین سهمیه‌های بلکه بحث واردات بنزین سوپر و هر عه آن در ماه آینده مطرح است که به گفته وزیر نفت احتمالاً قیمت آن ۵۰۰هزار تومان باشد، البته محسن پاکنژاد برای راحت شدن خیال مردم تأکید کرده است که واردات بنزین سوپر هیچ تأثیری در سهمیه‌های ۶۰لیتر هزارو ۵۰۰تومانی و ۱۰۰لیتر ۳هزار تومانی با کارت سوخت جایگاه‌ها ندارد.



از اواسط دهه ۶۰مسئله بنزین (قیمت و نحوه عرضه) دغدغه‌ای بزرگ برای دولت و مردم بود که هر سال و در طول ۳۰سال گذشته به شیوه‌های مختلف در سوخت‌های مختلف سیاستگذاری‌های کلان و البته متنوع و متضاد دولتی خودنمایی کرده است؛ زمانی عرضه کوپنی بنزین، زمانی دیگر عرضه آزاد توأم با افزایش تدریجی قیمت، زمانی تثبیت قیمت با هدف پوپولیستی طرح تنفس، زمانی هم سهمیه‌بندی همراه با عرضه چندرخی و در نهایت زمانی عرضه بنزین به قیمت نیمه‌یارانه‌ای در قالب طرح هدفمند یارانه‌ها.

هدف غایب در همه این طرح‌ها و آزمون‌وخطاها ساماندهی نظام اقتصادی و تجاری بنزین در ایران بوده است؛ طرح‌هایی که با هزینه کلان و بالا اجرا شده و با توجه به هر چه تصاعدی افزایش مصرف دستاوردی جز نارضایتی پایدار در حوزه مصرف و افزایش هزینه‌های تولید و عرضه بنزین

در کشور، قاچاق گسترده به خارج از کشور و در کل تداوم و تشدید آسیب‌پذیری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نداشته است. بحث بنزین و تغییر قیمت آن واز سوی دیگر واردات بنزین به ویژه بنزین سوپر یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در چند ماه اخیر همواره در رأس اخبار حوزه انرژی قرار دارد و از سوی دیگر بحث واردات بنزین سوپر از طریق بخش خصوصی یکی از مهم‌ترین اقداماتی بوده که از ابتدای سال چندین بار از سوی وزیر نفت مطرح شده و البته هر بار به بهانه‌های مختلف انجام نشده یا به تعویق افتاده است، البته بررسی‌های میدانی از چندین پمپ بنزین حاکی از آن است که به‌زودی بنزین سوپر در جایگاه‌های سوخت عرضه می‌شود.

بسیاری از مصرف‌کنندگان اعلام می‌کنند که خودروی آنها به دلیل عدم دریافت بنزین باکیفیت با مشکل مواجه شده و از طرف دیگر دریافت سوخت با کیفیت حق مصرف‌کنندگان است و طبیعی است که آنها سوخت با کیفیت دریافت کنند.

در همین زمینه یکی از مصرف‌کنندگان بنزین‌سور می‌گوید: من برای وسیله نقلیه خود در چند سال گذشته فقط از بنزین سوپر استفاده می‌کردم که در آن باره زمانی هیچ مشکلی نداشت اما از زمانی که از سوخت بنزین معمولی استفاده می‌کنم، همواره با مشکل مواجه هستم که امیدواریم با واردات بنزین سوپر بتوانیم مجدداً از سوخت با کیفیت استفاده کنیم.

همین موارد باعث شد که اخیراً محسن پاکنژاد، وزیر نفت اعلام کند به‌زودی بنزین سوپر از طریق بخش خصوصی وارد کشور می‌شود. بنزین سوپر ویژه در جایگاه‌های خاص و به‌صورت آزاد عرضه می‌شود و قیمت آن براساس هزینه تمام‌شده و حاشیه سود بخش خصوصی تعیین

را بر این فرض گذاشتند که دولت به زودی نرخ سوخت جدیدی را اعلام خواهد کرد، اما اظهارات روز گذشته وزیر نفت و ثبات سهمیه‌ها و قیمت بنزین، نگرانی مردم را از افزایش قیمت سوخت و به تبع آن گرانی قیمت سایر کالاها و خدمات راحت کرد.

محسن پاکنژاد روز گذشته در حاشیه جلسه هیئت دولت در خصوص واردات و نرخ بنزین سوپر که از ماه آینده اتفاق خواهد افتاد، گفت: بر اساس ظرفیت‌های قانونی و مصوبه هیئت وزیران بنا بر این شده است که بخش خصوصی نسبت به واردات بنزین سوپر که حالا از آن در مصوبه به عنوان بنزین ویژه یاد شده است، اقدام کند تا متناسب با هزینه تمام‌شده و در قالب یک خدمت جدید آن را به هموطنانی که مایل به استفاده از این نوع بنزین هستند، ارائه دهد.

وی افزود: این اقدام هیچ تأثیری در سهمیه‌هایی که پیش از این استفاده می‌شده‌اند، یعنی ۶۰لیتر هزار و ۵۰۰تومانی و ۱۰۰ لیتر ۳هزار تومانی با کارت سوخت جایگاه‌ها ندارد و هموطنان عزیز می‌توانند کماکان از این سهمیه‌ها استفاده کنند. مقدمات این کار فراهم و در درگاه مجوز‌ها در وزارت اقتصاد در‌خواست‌ها بارگذاری شده و فرایندهای ثبت سفارش در حال طی شدن است.

■ حذف سهمیه بنزین خودروهای لوکس این گونه که پیداست دولت فعلاً قصد گرانی بنزین را ندارد و مدار بر این حرف پزشکیان قالب یک خدمت اختیاری عرضه می‌شود و متقاضیان می‌توانند بر اساس نیاز از آن استفاده کنند، در حالی که سهمیه‌های کنونی همچنان به عموم مردم اختصاص خواهد یافت. براساس این گزارش با وجود آنکه یکی از مهم‌ترین نیازها در حوزه نفت عرضه سوخت باکیفیت است و با توجه به آنکه در فصل سرما دوباره با معضل آلودگی هوا روبه‌رو می‌شویم که یکی از اصلی‌ترین عوامل آن سوخت بی‌کیفیت است، بنابراین در این‌سرف نظر بر آن در حالی که رئیس دفتر رئیس‌جمهور چند روز پیش در یک برنامه تلویزیونی عنوان کرد: «بررسی شده است که خودروهای لوکس نباید از سهمیه بنزین یارانه‌ای استفاده کنند.»

محسن حاجی‌میرزایی همچنین اعلام کرد که وزارت نفت اختیار پیدا کرده زیرساخت‌ها را فراهم کند تا این اصلاحات عملیاتی شوند و گفته است: «در بحث رفع ناترازی انرژی، اختیاراتی به دستگاه‌های مرتبط تفویض شده است تا متناسب با شرایط اقدام کنند. مثلاً آیا هر کارت ملی باید یک کارت بنزین داشته باشد یا اینکه یک نفر ممکن است چهار یا پنج خودرو داشته باشد و به همه آنها سهمیه بنزین تعلق گیرد؟ آیا باید به هر خودرو و به میزان سهمیه بنزین داده شود؟ این مسائل و تصمیمات پیچیده است و باید متناسب با شرایط هر فرد و بخش مدیریت شود.»

یکی از راهم‌ای که رئیس دفتر رئیس‌جمهور به آن اشاره کرده این است که اگر فردی بیش از یک خودرو دارد، برای خودروهای بعدی بنزین با قیمت دیگری پرداخت شود، اما خود این کار نیز از جای‌انهام را مطرح کرده است که باید بتوانیم فضای اجتماعی را نیز همراه و آن را به مطالبه‌ای ملی تبدیل کنیم.

عقب‌نشینی دیوان محاسبات از اجرای عدالت

نهاد بالادستی دیوان محاسبات در این زمینه است. در شرایطی که موضوعاتی از این دست مستقیماً با اعتبار نظارت بر بیت‌المال و سلامت مالی کشور گره خورده‌اند، انتظار می‌رود مجلس به عنوان صاحب اصلی دیوان درباره روند دلائل توقف اجرای این حکم از مسئولان دیوان توضیح بخواهد و بر فرایند اعاده دادرسی نظارت دقیق‌تری اعمال کند. در سوی دیگر ماجرا، وزارت نفت نیز با سکوت نسبی، وضعیت جدید را پذیرفته و مدیر عامل پیشین را – که تنها چند هفته پیش حکم انفسال‌ش را اجرا کرده بود – به جایگاه قبلی بازگردانده است، این در حالی است که اجرای بدون چون و چرای احکام دیوان محاسبات، پیش‌شرط حفظ اقتدار این نهاد در ساختار دیوان‌سالاری ایران محسوب می‌شود و کوتاه آمدن نهادهای اجرایی از اجرای این احکام، خود یک چراغ سبز برای تعلل یا تمرد دیگر مدیران در برابر نظارت‌های مالی است. افکار عمومی نیز حق این پرسش را دارد که آیا از این پس همه احکام نظارتی و قضایی با یک تعهدنامه قابل تعلیق خواهند بود؟ یا این اقدام نشانه‌ای از اولویت دادن مصالح‌سنجی‌های اداری بر اجرای عدالت از زبانی است؛ مصالح‌سنجی‌هایی که در نهایت هزینه آن را نه دستگاه اجرایی یا نهاد نظارتی، بلکه مردم و بودجه عمومی کشور خواهند پرداخت.

در مجموع، تصمیم اخیر دیوان محاسبات کشور، اگرچه در قالب مقررات اعاده دادرسی صورت گرفته است، اما با توجه به پیامدهای اداری، رسانه‌ای و اجتماعی آن، شایسته بود با شفافیت بسیار بیشتری اعلام و اجرا می‌شد. سکوت دیوان درباره جزئیات تخلّف‌ها، دلائل توقف حکم، و معیارهای پذیرش تعهدنامه، نه تنها اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند، بلکه جایگاه نظارت مالی در کشور را نیز آسیب‌پذیر می‌سازد.



جشش تا ۸۰هزار مگاواتی

صنود پروانه‌های نیروگاه‌های تجدیدپذیر

طی ۱۱ماه گذشته صنود پروانه‌های احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کشورمان به سقف ۸۰هزار مگاوات رسیده است؛ رقمی که نسبت به حدود ۱۵هزار مگاوات پیش از دولت فعلی، رشد سه تا چهار برابری را نشان می‌دهد. این تحول، نشانه‌ای روشن از رویکرد تازه‌ای است که سیاستگذاران انرژی کشور در پیش گرفته‌اند. یکی از ارکان اصلی این جشش، تمرکز ویژه بر انرژی خورشیدی است. با شکل‌گیری همکاری میان نهادهای اجرایی، از وزارتخانه‌ها گرفته تا شرکت‌های برق منطقه‌ای و استانداری‌ها، بستر مناسبی برای توسعه این نیروگاه‌ها فراهم شده است. ■ ■ ■

واگذاری اختیارات به سطوح استانی باعث شده است بسیاری از پروژه‌ها با سرعت بیشتری پیش بروند و روند اخذ مجوز‌ها از دیوان سالاری فرساینده خارج شود.

نکته قابل توجه دیگر، تسهیل در واگذاری زمین به سرمایه‌گذاران علاقه‌مند است. در برخی استان‌ها، صدور پروانه‌ها از سرعت اجرای پروژه‌ها جلوزده و برخی در یافت‌کنندگان مجوز هیچ اقدامی در جهت ساخت نیروگاه نگرفته‌اند. برای حل این مشکل، تصمیم گرفته شده است متقاضیان جدید واگذار شوند. در یکی از تازه‌ترین اقدامات، قرار دادی برای احداث هزارو ۲۰۰مگاوات نیروگاه خورشیدی با سرمایه‌گذاری بالغ بر ۴۴۰میلیون دلار از سوی بخش خصوصی به امضا رسید.

این پروژه که قرار است از پیش از یک مصرف برق سال آینده وارد مدار شود، به کاهش فشار بر شبکه برق کمک می‌کند و گامی بزرگ در راستای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی خواهد بود.

مدل سرمایه‌گذاری این پروژه نیز قابل توجه است، ۵۰درصد از سرمایه مورد نیاز از سوی شرکت توسعه‌دهنده تأمین می‌شود و ۵۰درصد دیگر از محل منابع سازمان توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر.

این مدل مشارکت عمومی – خصوصی می‌تواند الگویی برای پروژه‌های آتی در حوزه انرژی پاک باشد. علاوه بر آن، بخشی از منابع مالی این پروژه از طریق صندوق توسعه ملی تأمین خواهد شد.

سرمایه‌گذاران در صورت تأمین بخشی از هزینه‌ها، می‌توانند از تسهیلات این صندوق بهره‌مند شوند و بازپرداخت این تسهیلات نیز از محل درآمد فروش برق از طریق بورس انرژی یا قراردادهای مستقیم با صنایع انجام می‌گیرد.

به گفته رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری برق ایران (ساتبا)، ۸هزار مگاوات پروانه احداث نیروگاه تجدیدپذیر در دولت چهاردهم صادر شده است.

بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور تا پایان سال جاری به ۷هزارمگاوات خواهد رسید. این هدف با تکیه بر پروژه‌های در حال اجرا، امضای قراردادهای جدید و البته تسهیل روند‌ها در سطوح استانی قابل دستیابی است.

استفاده از ظرفیت بالای ایران در زمینه انرژی خورشیدی – با بیش از ۳۰۰هزار اکتاری در بسیاری از مناطق کشور – مزیتی راهبردی به شمار می‌رود که می‌تواند جایگاه کشور را در منطقه ارتقا دهد. اخیراً فراخوانی برای احداث ۷هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی جدید با مشارکت صنود توسعه ملی منتشر شده است.

طبق این فراخوان، متقاضیان حقوقی که قرارداد احداث نیروگاه خورشیدی با ظرفیت سه مگاوات و بالاتر دارند، می‌توانند تا پایان هفته جاری شت‌نام کنند. این فرصت، امکان ورود گسترده‌تر بخش خصوصی به بازار انرژی‌های تجدیدپذیر را فراهم می‌کند و می‌تواند گامی عملی در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار باشد.



یکی از شرکت‌های سرمایه‌گذار فعال در این حوزه، اعلام کرده که تاکنون ۱۰۰مگاوات نیروگاه خورشیدی در کشور راهاندازی کرده است و در روزهای آینده این عدد به ۲۵۰مگاوات خواهد رسید.

این شرکت با واردات تجهیزات مورد نیاز برای احداث ۶۰۰مگاوات نیروگاه جدید، پروژه خود را جلوتر از برنامه به‌رماندیشی پیش می‌برد. هدف گذاری این مجموعه، رسیدن به ظرفیت ۴هزارمگاوات در سال آینده است. ورود چنین شرکت‌هایی با توان مالی و اجرایی بالا به پروژه‌های تجدیدپذیر، به تحقق اهداف انرژی کمک می‌کند و موجب اشتغال‌زایی، رونق اقتصادی و انتقال دانش فنی در کشور می‌شود.

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه خورشیدی، مزایای متعددی برای کشورمان به همراه دارد. در بعد زیست‌محیطی، کاهش مصرف سوخته‌های فسیلی به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی هوا منجر می‌شود. از سوی دیگر، این پروژه‌ها با کاهش فشار بر منابع آبی کشور – که در نیروگاه‌های حرارتی به شدت مورد استفاده قرار می‌گیرند – به مدیریت بهتر منابع طبیعی کمک می‌کنند. از منظر اقتصادی نیز سرمایه‌گذاری در این حوزه باعث ایجاد فرصت‌های شغلی مستقیم و غیرمستقیم می‌شود؛ از مهندسی و ساخت گرفته تا نگهداری و خدمات فنی، همچنین صادرات برق پاک به کشورهای همسایه می‌تواند در آینده به منبع درآمدی پایدار برای کشور تبدیل شود.

مجموعه اقدامات انجام‌شده در یک سال اخیر، نشان دهنده تغییر رویکرد جدی در سیاستگذاری انرژی کشور است. اگرچه مسیر پیش‌رو همچنان با چالش‌هایی از جمله تأمین مالی، جذب سرمایه‌گذار و توسعه زیرساخت‌ها همراه است، اما با وجود حمایت‌های قانونی، تسهیل مقررات و مشارکت بخش خصوصی، آینده روشنی برای صنعت انرژی تجدیدپذیر ایران ترسیم شده است.

با تداوم این روند، ایران‌مان می‌تواند به کاهش شفاف انرژی در داخل دست یابد و در سطح منطقه‌ای نیز به یکی از بازیگران اصلی انرژی‌های پاک تبدیل شود. در شرایطی که جهان به سوی کاهش کربن و عبور از انرژی‌های آلاینده حرکت می‌کند، شتاب گرفتن توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و بادی در ایران پاسخی هوشمندانه به نیازهای فردای کشور است.